

# ل ل

تن نسبت می‌دهند. در میان اشعار لادریان، هم اشعار بسیار زیبا و دل‌انگیز می‌توان یافت، هم سروده‌های سست و سخیف. برخی از آن‌ها چندان بر زبان‌ها رفته‌اند که به مثل سایر تبدیل شده‌اند و مردم در گفت‌وگوهای روزانه خود از آن‌ها حتی برای مدعای خود می‌سازند و با گفتن عبارت «به گفته شاعر» که دانسته نیست کدام شاعر است، از آن‌ها برای اثبات دعوی خود یاری می‌گیرند. شمار اشعاری که سراینده‌گان گمنام دارند، چندان است که ابراهیم صهبا دفتری از آن‌ها فراهم آورده. و به نام دیوان لادری به چاپ رسانده است (تهران، ۱۳۶۲ش).

رسولی

لادری (lā.ad.ri)، فعل مضارع عربی (=نمی‌دانم، نمی‌شناسم) از مصدر درایه (=دریافتن، دانایی)، در اصطلاح ادبی بر شاعرانی اطلاق می‌شود که ابیاتی از آن‌ها در جنگ‌ها، سفینه‌ها و کتاب‌های دیگر به یادگار مانده، اما خودشان فراموش شده‌اند. گاهی یک شعر به نام چند شاعر بود و جنگ‌نویسان و سفینه‌سازان برای رهایی از سردرگمی و به‌جای جست‌وجو برای شناختن گوینده واقعی آن شعر، اصطلاح لادری را در پای آن می‌گذاشتند. اشعاری را که گویندگان آن‌ها ناشناخته‌اند بر سردر خانه‌ها، دیوارهای کارگاه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، گرمابه‌ها و درون و بیرون اتموبیل‌ها و حتی بر سنگ‌گورها نیز می‌توان یافت. بیشتر اشعاری که گویندگان آن‌ها شناخته نیستند فرد\*، دوبیتی\*، رباعی\*، قطعه\* و گه‌گاه یک‌غزل\* کاملند. درونمایه این اشعار، کفر، پندواندرز، توحید، ناپایداری این جهان، گذشت روزگار، ستایش از پادشاهی، عشق، بی‌نیازی، وفاداری، فداکاری، کاروکوشش و مانند آن‌ها است. بیشتر تک‌بیتی‌هایی که سراینده آن‌ها ناشناس است، سبک هندی دارند و چون بابا طاهر عریان به گفتن دوبیتی و عمرخیام نیشابوری به سرودن رباعی آوازه دارند، گه‌گاه دوبیتی‌ها و رباعیات بی‌صاحب را به این دو

لاسکوی (lā.sa.ka.vi/lās.ka.vi)، در لغت نام جانوری کوچک و خوش‌آواز است و در اصطلاح موسیقی و ادبی احتمالاً یکی از آلات، یا دستگاهی در موسیقی ایران باستان یا نوعی شعر در ایران پیش از اسلام بوده است. ظاهراً نام لاسکوی در این بیت منوچهری، قدیم‌ترین کاربرد موجود این کلمه است: «خول تنبوره تو گویی زند و لاسکوی از درختی به درختی شود و گوید آه» و اشاره به نام لاسکوی در این بیت، باعث شده است که برخی پژوهندگان، لاسکوی را از نواهای ایرانی بدانند. در معیار